

طراحی الگویی جهت تجزیه و تحلیل اندازه دولت به صورت استانی در اقتصاد ایران

یدالله دادگر*
روح‌الله نظری**

تاریخ پذیرش: ۸۶/۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۶/۲/۲۴

چکیده

یک بحث اساسی در دنیای جدید تمرکز زدایی تصمیمات اقتصادی دولت و تشکیل دولت‌های محلی در این راستا می‌باشد. این دولت‌ها را ایالتی، محلی یا استانی می‌نامند. نقش دولت‌های ایالتی و محلی در کشورهای مختلف به دلایل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با یکدیگر متفاوت است. برای مثال، در کشورهای در حال توسعه دولت‌های ایالتی و محلی نقش کمتری ایفا می‌کنند در حالی که در کشورهای صنعتی، دولت در سطوح محلی و ایالتی از نقش نسبتاً بالایی برخوردار است. بحث از دولت استانی یا محلی، در کشورهایی چون ایران نیز خواهی نخواهی طرح خواهد شد.

این موضوع با توجه به شرایط عمومی در کشور ما از خصوصیات متفاوتی برخوردار خواهد بود. در این پژوهش با توجه به اهمیت و نقش دولت‌های محلی به ارائه مدلی برای تجزیه و تحلیل اندازه دولت به صورت استانی در ایران پرداخته می‌شود.

روش طراحی مدل علاوه بر استوار بودن بر مطالعات کتابخانه‌ای بر چارچوب‌ها و قواعد ریاضی و مدل سازی اقتصادی متکی است. این مقاله در قالب یک مقدمه کوتاه، سه بخش اصلی و نتیجه‌گیری پایانی تدوین گردیده است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی



مقدمه

معمولاً برای توجیه فعالیت‌ها و وظایف اقتصادی دولت حوزه فعالیت بخش عمومی از بخش خصوصی متمایز می‌شود. پس از تعیین فعالیت‌های مختلف بخش خصوصی و دولت، چگونگی فعالیت‌ها و وظایف مختلف دولت در اقتصاد در یک نظام مرکزی (فدرال) بررسی می‌شود (جعفری صمیمی، ۱۳۷۱: ۲۴۱). در اقتصاد بخش عمومی بیشتر کشورها، فعالیت‌های دولت توسط یک نظام واحد و متمرکز انجام نمی‌گیرد، بلکه این فعالیت‌ها، در سطوح مختلف طبقه‌بندی می‌شوند و دولت در هر یک از این سطوح وظایف و مسئولیت‌های معینی را با توجه به منابع و اختیارات مورد نظر انجام می‌دهد. بحث شکل‌گیری دولت‌های ایالتی و محلی در کشورهای پیشرفته بسیار جدی است. این بحث همچنین در عرصه جهانی شدن و طرح کوچک شدن حجم دولت و ایجاد دولت منضبط و دولت خوب، مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران می‌باشد. اصولاً یک مصداق رایج در میان کارشناسان اقتصادی از دولت خوب، دولتی است که بخش قابل توجهی از اختیارات فدرال را به دولت‌های محلی واگذار می‌نماید. برخی مطالعات همچنین نشان می‌دهند که کارآمدی دولت در ابعاد ایالتی و به طور کلی در صورت حرکت به سوی عدم تمرکز بیشتر خواهد شد (پژویان، ۱۳۸۲).

در تجزیه و تحلیل اقتصاد بخش عمومی، معمولاً بررسی فعالیت‌های اقتصادی دولت در سه سطح صورت می‌گیرد که عبارتند از: ۱- مرکزی ۲- ایالتی ۳- محلی. یکی از مسائل بسیار مهم، چگونگی تقسیم وظایف و فعالیت‌های دولت بین سطوح سه گانه فوق است، یعنی چه فعالیت‌هایی باید توسط دولت مرکزی انجام شود و چه فعالیت‌هایی باید به دولت‌های ایالتی و محلی واگذار شود؟

در حال حاضر و در بسیاری از کشورها دولت‌های محلی و ایالتی خدمات بسیار متنوعی به منظور بهبود سطح زندگی مردم و همچنین رشد اقتصادی منطقه ارائه می‌دهند که در عین حال هزینه‌های گوناگونی برای دولت در این سطوح ایجاد می‌شود. برای مثال جاده، بزرگراه و یا اتوبانی که در یک منطقه احداث می‌شود، می‌تواند منفعی برای افراد و گروه‌های ساکن در این منطقه و مناطق مجاور آن ایجاد کند ولی برای تأمین مالی پروژه‌های مربوطه، هزینه‌های سنگینی هم بر دولت محلی تحمیل می‌گردد.

در ضمن با وجود تفاوت میزان و رشد و همچنین تفاوت راه‌های تأمین مالی انواع

مختلف مخارج دولت در سطوح ایالتی و محلی با یکدیگر، مخارج دولت‌ها و به عبارت دیگر نوع پروژه‌ها بسیار مشابه هستند. مثلاً پروژه‌های مورد نظر در این سطوح اغلب شامل تعلیم و تربیت، جاده، بهداشت، رفاه عمومی، بیمارستان، توجه به منابع طبیعی محیط زیست، توجه به روشنایی و چراغ‌های خیابان‌ها، جمع آوری زباله، تأمین آب و برق و ایجاد مراکز و بازارهای خرید و فروش برای عموم مردم است.

به همین دلیل است که می‌توان برای مخارج دولت در سطوح پایین‌تر از مرکز نیز همان تقسیم‌بندی استاندارد مخارج دولت مرکزی (مخارج جاری، سرمایه‌گذاری، مخارج انتقالی) را قابل قبول دانست. اما بدیهی است برخی هزینه‌ها که به حاکمیت کل و مصالح ملی و کشور مربوط می‌شود عمدتاً در دولت فدرال مورد توجه است. نکته مکمل در این رابطه تأکید بر این امر است که از منظر مدل‌های ریاضی و تئوری‌های اقتصادی مربوط به اندازه دولت و از بعد تحلیلی تفاوتی بین دولت فدرال (ملی) و دولت استانی (محلی) وجود ندارد.

این مقاله، در ابتدا به بررسی عوامل مؤثر بر اندازه و رشد دولت به طور کلی (کشوری و محلی) می‌پردازد، سپس به بررسی مطالعات تجربی و بیان برخی از مدل‌های نمونه پرداخته می‌شود. در نهایت با کمک مدل‌های مختلف در مطالعات گوناگون و با توجه به شرایط اقتصادی-اجتماعی استان‌های ایران، مدلی ترکیبی و متناسب با شرایط اقتصاد منطقه‌ای ایران طراحی شده و شاخص‌های آن نیز معرفی می‌شود.

۱- عوامل مؤثر بر اندازه و رشد دولت فدرال و استانی

یکی از بحث‌های مهم در مورد دولت مرکزی و محلی، مقوله اندازه دولت و رشد آن می‌باشد. چندین علت برای رشد اندازه دولت ملی و محلی وجود دارد. پاره‌ای از این عوامل (در عین حالی که باعث گسترش دولت در سطوح مربوطه می‌شوند) با سازندگی و بالارفتن کارایی اقتصادی کشور یا منطقه نیز ارتباط دارند. اما برخی دیگر صرفاً مصرفی و غیرمولد هستند. در اینجا به مهمترین این عوامل اشاره می‌شود.

- عرضه کالاها و خدمات عمومی و کاهش پیامدهای جانبی و خارجی

یکی از نخستین وظایف دولت همواره آن بوده است که کالا و خدمات عمومی را در اختیار افراد و گروه‌های محلی و کشوری بگذارد و همچنین با کاهش پیامدهای خارجی



از فشار زندگی آنان بکاهد.^۱ اگر حالتی را فرض کنیم که حضور دولت در اقتصاد به این معنا است که فقط کالا و خدمات عمومی را عرضه می‌کند، بدیهی است که در چنین جامعه‌ای هر چه تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی بیشتر باشد، منطبق وجودی دولت قوی‌تر می‌شود. در این صورت می‌توان گفت که رشد دولت با رشد تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی همراه است. از سوی دیگر، طبق مفاد تئوری‌های مشهور دولت، تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی تابعی از عواملی از قبیل درآمد خانوار، نسبت قیمت کالاهای عمومی به کالاهای خصوصی و سلیقه‌ای است (راگبندرا^۲، ۱۹۹۸).

طبق نظریه مشهور تقاضا در سطح اقتصاد خرد و استانی با افزایش درآمد، تقاضا (برای کالاهای خوب) افزایش می‌یابد. بدیهی است کالاهای عمومی مورد بحث و مورد تقاضای اقشار محلی (حداقل در سطح استانی) کالاهای خوب محسوب می‌شوند. لذا این موقعیت خاص کشش‌پذیری تقاضا نسبت به درآمد در کالاهای عمومی می‌تواند باعث رشد دولت شود.^۳ همچنین اگر قیمت کالاها و خدمات عمومی در مقایسه با قیمت کالاها و خدمات خصوصی افزایش یابد و مقدار تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی به مقدار قابل توجهی کاهش نیابد، بر مبنای مطالعات تئوریک مخارج کل بخش عمومی (اندازه دولت) رشد می‌یابد.

همچنین، اگر تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی بی‌کشش باشد و قیمت کالاها و خدمات عمومی نسبت به قیمت کالاها و خدمات خصوصی افزایش یابد، رشد دولت حتمی است. اما اگر قیمت کالاها و خدمات عمومی در مقایسه با قیمت کالاها و خدمات خصوصی کاهش یابد و مقدار تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی به مقدار قابل توجه افزایش یابد، مخارج کل (اندازه دولت) رشد می‌یابد. به عبارتی دیگر، اگر تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی با کشش باشد و قیمت کالاها و خدمات عمومی نسبت به قیمت کالاها و خدمات خصوصی کاهش یابد، رشد دولت حتمی است. همچنین اگر سلیقه افراد برای کالاها و خدمات عمومی تغییر کند، تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی نیز تغییر می‌یابد. لذا چنانچه دولتی بر اساس سلیقه افراد، کالاها و خدمات عمومی را عرضه می‌کند، می‌تواند رشد کند (گارت^۴، ۱۹:۲۰۰۶). مقوله سواری مجانی و دلایل دیگر باعث شده که تقاضا برای کالاهای عمومی در کشورهای توسعه‌نیافته و از جمله ایران بسیار بالا باشد (پور مقیم، ۱۳۷۸)^۵.

- توزیع مجدد درآمد و ثروت

از منظر برخی اقتصاددانان و مطالعات بخش عمومی، بخش عمده‌ای از برنامه‌های دولت مکانیزمی جهت توزیع درآمد و ثروت است. ملتزر و ریچارد^۶ از طریق پیوند دادن مالیات به توزیع درآمد به این موضوع پرداخته‌اند. آنها مدلی را طراحی کردند که در آن (۱) فراغت رابطه معکوسی با میزان ساعات کار انجام شده دارد. (۲) مصرف نیز رابطه معکوسی با نرخ مالیات دارد. (۳) مصرف رابطه مثبتی با دریافتی‌های درآمدی و پرداخت‌های انتقالی دارد. (۴) درآمد رابطه مثبتی با بهره‌وری دارد. نتیجه بسیار مهم مدل آنها این بود که سطح بالاتری از بهره‌وری باعث افزایش سطح بالاتری از درآمد می‌شود و درآمد بیشتر باعث مصرف بیشتر و رفاه بیشتر می‌شود. برخی مطالعات کارآیی این نوع الگوها را مورد تأیید قرار داده‌اند (آتکینسون^۷، ۱۹۸۰).

حال طبق مدل فوق‌الذکر اگر دولت درآمدش را برای فعالیت توزیع مجدد درآمد و ثروت خرج کند و هر یک از افراد جامعه به یک اندازه از وجوه دولتی مربوطه بهره‌مند شوند، این امر حضور دولت را معنی‌دار نموده بر رشد اندازه آن مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر در مدل مربوطه درآمد افراد جامعه نیز به دو عامل میزان ساعات کار و توان فردی آنها بستگی دارد. در هر صورت تأثیر نرخ مالیات در الگوی ملتزر و ریچارد عاملی تعیین‌کننده است. بالا رفتن نرخ مالیات از یک سو باعث افزایش درآمد دولت می‌شود و از سوی دیگر، بازگشت آن مالیات (به خاطر انجام توزیع مجدد) به جامعه باعث افزایش درآمد برخی گروه‌ها می‌شود.^۸ اما در عین حال این سیاست از میزان کار انجام شده می‌کاهد. زیرا افراد استراحت بیشتر را به کار کمتر ترجیح می‌دهند. خلاصه طبق تحلیل مربوطه هر چند دخالت دولت در امر توزیع درآمد بیشتر می‌شود، حجم و اندازه دولت نیز بیشتر خواهد شد (ملتزر، ۱۹۸۱).

- نقش گروه‌های ذی نفع^۹ و گروه‌های فشار

عامل دیگری که باعث افزایش اندازه دولت می‌شود، وجود گروه‌های ذی نفع است. گروه‌های ذی نفع و گروه‌های فشار را می‌توان مجموعه‌های سازمان یافته‌ای از رأی دهندگان نامید که اعمال سیاست ویژه‌ای از سوی دولت را ترجیح می‌دهند. سندیکاهای کارگری کارتل‌ها، تراست‌ها، شرکت‌های مشهور تعاونی و امثال آنها را می‌توان نمونه‌هایی از

گروه‌های مربوطه قلمداد نمود. گروه‌های ذی نفع می‌توانند خواست خود را به دولت بقبولانند و به این ترتیب بر بار مالی دولت و هزینه‌های آن بیفزایند.

به عنوان مثال زمانی که یک کارتل و یا یک تراست قیمت محصول مشخصی را بالا ببرد، اعضای کارتل از آن سیاست منتفع می‌شوند و یا در صورتی که یک اتحادیه کارگری موفق به افزایش دستمزدها شود، دستمزد کارگران عضو اتحادیه مربوطه بالا می‌رود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که خدمات ارائه شده توسط این گروه‌ها (از جهت عدم تمایل برای مشارکت در هزینه‌های بخش عمومی و تلاش برای استفاده از سواری مجانی) ویژگی کالاهای عمومی را دارد. در اینجا گروه‌های ویژه و گروه‌های فشار می‌توانند با تحمیل خواسته‌های خود بر دولت هزینه بخش عمومی را بالا برده موجب گسترش دولت شوند.^{۱۰}

- دیوان سالاری

اجرای وظایف دولت در قالب سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که هر یک زیر نظر مدیران و تکنوکرات‌های برگزیده‌ای فعالیت می‌کنند. این مجموعه دستگاه دیوان سالاری^{۱۱} را بوجود می‌آورد. بزرگ شدن دستگاه‌های دولتی و دیوان سالاری در واقع و به طور معمول مزایای مدیران را افزایش می‌دهد. زیرا وقتی دستگاهی رو به رشد باشد، احتمال ترفیع کارکنان آن بیشتر می‌شود. این امر زمینه کوشش تکنوکرات‌ها را در راه بزرگ نشان دادن دستگاه مربوطه فراهم کرده، انگیزه‌ای بوجود می‌آورد که حاصل آن بزرگ شدن اندازه دولت است. این در حالی است که مطالعات نشان می‌دهد جامعه نیازی به آن حد از دولت را نخواهد داشت (خلعت بری، ۱۳۷۱).

بیشتر دستگاه‌های دولتی می‌خواهند بودجه خود را به حداکثر برسانند، لذا دستگاه‌ها ردیف‌های هزینه‌ای اغراق‌آمیزی را ایجاد و گزارش می‌کنند تا نیاز به بودجه بیشتر را به اثبات برسانند. صاحب نظر معروف اقتصاد دولت پروفیسور نیسکانن^{۱۲} (۱۹۷۱) مدلی را برای دیوان سالاری طراحی کرد که در آن دلایل روشنی برای گسترش تولید و هزینه بخش عمومی به خاطر وجود دیوان سالاری بیان می‌کند. در آن مدل ثابت شده که یک عامل اساسی بزرگ شدن دولت مقوله دیوان سالاری است^{۱۳} (نیسکانن، ۱۹۷۱).



- توهم مالی (بودجه ای)

التزام به فروض و کارکرد تئوری توهم مالی (بودجه‌ای)^{۱۴} نیز می‌تواند باعث گسترش حجم دولت باشد. طبق مفاد این تئوری دولتمردان می‌توانند رأی دهندگان را نسبت به اندازه واقعی بخش عمومی فریب دهند. دیدگاه توهم بودجه‌ای در ادبیات اقتصاد دولت تقریباً کم سابقه است. بر اساس آن، دولت می‌تواند به گونه‌ای بودجه عمومی تنظیم کند که شهروند را درباره‌ی اندازه بودجه کل و متغیرهای مالی مربوطه خود به توهم دچار کند. به این صورت که از یک طرف تصور مردم در مورد سنجش اندازه دولت و شاخص مورد نظر آنها معمولاً مقدار مالیات‌های پرداختی است. بدین معنی که آنها بزرگ شدن اندازه دولت را با افزایش مالیات‌های پرداختی به دولت اندازه می‌گیرند، لذا با توجه به این شاخص و متغیرهای مربوط به آن وجود یا دخالت دولت در قالب فعالیت‌های مربوطه احساس می‌کنند.

از سوی دیگر دولت می‌تواند برای مالیات‌بندی و هدف‌گذاری مالیاتی تاکتیک‌ها و راه‌هایی را برگزیند که شهروندان بار مالیاتی تحمیل شده بر خود را به درستی احساس و یا درک نکنند. یک تاکتیک به این ترتیب خواهد بود که دولت به جای مالیات‌های مستقیم (مثلاً مالیات بر درآمد و مالیات بر اموال) از مالیات‌های غیرمستقیم (مانند مالیات بر بنزین و مالیات برسیگار و نوشابه) استفاده کند. به دلیل قابل پنهان بودن ماهیت مالیات غیرمستقیم، یکی از بهترین روش‌ها برای اعمال و اجرای توهم بودجه‌ای و توهم مالی است. گروهی از مطالعات و صاحب نظران تأکید می‌کنند که توهم بودجه‌ای و توهم مالی می‌تواند ابعادی از اندازه و رشد دولت را توضیح دهد. لذا به هر مقدار که دولت بتواند مردم را بیشتر دچار توهم مالی کند می‌تواند حجم بیشتری داشته باشد (گرت، ۲۳: ۲۰۰۶).

- استراتژی‌ها و برنامه‌های بلند پروازانه

این عارضه رفتاری بخش عمومی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه خیلی خوب مشاهده می‌شود. دولت‌ها در این موارد در آغاز، برنامه‌های بزرگ توسعه اقتصادی و اجتماعی را تدوین می‌کنند ولی در عمل با دشواری‌های زیادی مواجه می‌شوند. آنها در جریان کار به موانعی از قبیل نداشتن امکانات فنی کافی، حاصل نشدن درآمد پیش‌بینی شده، پایین بودن کارایی و پیشرفت نکردن کارها طبق برنامه بر می‌خورند.

به این ترتیب، برنامه‌ها و سیاست‌های تدوین شده یا به کلی متوقف می‌شود یا با هزینه‌ای چند برابر هزینه برآورد شده اولیه به پایان می‌رسد. در تمام موارد، بار و فشار هزینه‌ای بلندپروازی‌های دولت بر دوش شهروندان سنگینی خواهد کرد. دولت‌هایی که پیش‌بینی می‌کنند می‌توانند با گرفتن مالیات بیشتر در آینده منابع مربوطه را به دست آورند، به وام‌گیری از داخل و خارج روی می‌آورند. در هر صورت یک عامل عمده بزرگ شدن دولت به طور کلی و بزرگ شدن آن در کشورهای توسعه نیافته به طور خاص و در ایران به طور اخص همین برنامه‌های بلند پروازانه است. این موضوع در ایالت‌ها و مناطق محلی از تأثیر گذاری بیشتری برخوردار است (آندرسن^{۱۵}، ۱۹۸۵). سابقه موضوع در ایران و به ویژه در سطح منطقه‌ای بسیارشایان توجه است (تابش، ۱۳۸۳).

- نقش دولت به عنوان کار فرما

در برخی از کشورها، دولت خود را متعهد می‌داند که برای مردم کار فراهم کرده و فرصت شغلی ایجاد نماید. این تعهد هر چند می‌تواند در نوع خود مطلوب و مقبول باشد، اما در عین حال ممکن است عاملی در جهت بزرگ شدن دولت باشد. در این موارد، دولت در برخی کشورها به عنوان کارفرمای نهایی عمل می‌کند. بنابراین زمینه‌های اشتغال‌زایی بیش از توان دولت گسترش می‌یابد، زیرا در قالب فعالیت‌های دولتی مربوط (و هدف‌گذاری دولت به ایجاد اشتغال)، کارآیی لزوماً ضابطه تصمیم‌گیری نیست. زیرا این گونه دولت‌ها برای ایجاد اشتغال انبوه، مطالعه کافی کارشناسی به عمل نمی‌آورند. بنابراین در مواردی دیده شده که گسترش اشتغال با افت عمومی دستمزدها در بخش دولتی همراه بوده است.

به این ترتیب افراد متخصص که می‌توانند در بخش خصوصی با درآمدی بیشتر کار کنند، کم‌کم از مشاغل دولتی روی گردان می‌شوند. در نتیجه به جز معدود کارکنانی که به هر دلیل انگیزه کار کردن در بخش دولتی در آنها قوی است، بقیه متخصصان همکاری با کارفرمایان خصوصی را بر کارفرمایان دولتی ترجیح می‌دهند. درست است که از نظر سیاسی بالا رفتن میزان اشتغال از طرف دولت، عامل محبوبیت آن محسوب می‌شود، ولی افت دستمزدها در بلندمدت و سایر پیامدهای منفی نارضایتی به بار می‌آورد و دیر یا زود مسئله بزرگ شدن دولت جدی و شایان توجه می‌گردد. زیرا کنترل اوضاع جدید دشوار می‌شود و برای حل و فصل دشواری‌ها نیاز به دخالت بیشتر دولت می‌باشد (پیکاک^{۱۶}، ۱۹۶۷).

این موضوع در حال حاضر یکی از محورهای نقادی گروهی از کارشناسان اقتصادی از عملکرد دولت در ایران می باشد. هیئت دولت به ویژه در سفرهای استانی خود تلاش می کند نشان دهد که به عنوان یک کارفرما دنبال ایجاد فرصت های شغلی جدیدی می باشد. این امر از یک سو انتظارات مردم را بالا برده و از سوی دیگر؛ تحقق آن مستلزم حضور بیشتر دولت در اقتصاد و بزرگ شدن آن می باشد. موضوع مربوطه یک محور تصمیم اخیر دولت برای تفویض اختیارات ادارات برنامه و بودجه استان ها به استانداری ها را نیز توجیه می کند (برنامه، ۱۳۸۵).

- اعطای کمک های مالی به خانوارها، شرکت ها و مؤسسات

کمک های مالی دولت به گروه های مختلف، همواره از جمله عوامل افزایش حجم بودجه بوده است. کمک های رفاهی دولت به اقشاری از مردم در قالب وظیفه توزیعی دولت مطرح می شود. در بسیاری از موارد دولت مجبور است به سازمان ها و مؤسسات تحت کنترل خود کمک مالی کند. به عنوان مثال، زیان های سنواتی بانک ها در ایران باید در بودجه منظور شود و پرداخت زیان شرکت های دولتی بر دوش دولت است. بار مالی ناشی از این قبیل کمک ها در ایران بسیار چشمگیر است (سالنامه آماری، ۱۳۸۳). مشکل هنگامی شکل حادثری به خود می گیرد که دولت ها مبلغی هم بابت پایین بودن کارآیی شرکت ها و مؤسسات دولتی زیان دیده می پردازند.

در ضمن، دولت نمی تواند زیان وارد شده به یک سازمان دولتی را بر حسب عوامل مؤثر بر آن تفکیک کند. لذا مشکل آفرینی شرکت های دولتی، دولت را مشکل آفرین جلوه می دهد. از آنجا که ورشکسته شدن یک سازمان دولتی از دید عموم به معنی ورشکستگی خود دولت است، دولت بار همه گونه کمک های مالی را می پذیرد تا از عواقب ورشکستگی بپرهیزد. طبیعتاً در این جریان تحمل بار مالی بودجه هم افزایش می یابد. نهایتاً ظرفیت گسترش حجم و اندازه دولت را (به ویژه در سطح استانی) بالا می برد (فیشر^{۱۷}، ۲۰۰۰).

- رونق اقتصادی، تغییرات فنی، تغییرات جمعیتی و سایر عوامل

یکی از عواملی که می تواند دولت را بزرگ کند، قرارگرفتن در مرحله رونق اقتصادی و افزایش درآمد افراد و خانوارها است. بهبود زندگی عموم سبب می شود که تقاضا برای



کالا‌های عمومی و خدمات دولتی افزایش یابد و در این قالب دولت در دوره رونق، بزرگ می‌شود. همچنین تغییرات فنی در ساخت سازمان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر اندازه دولت تأثیری عمیق می‌گذارد. زیرا این امور به صورت مستقیم و غیرمستقیم، هزینه دولت را تغییر می‌دهد. از یک سو، بهبود فنی به دلیل صرفه جویی‌هایی که در پی دارد می‌تواند عاملی باشد در کاهش هزینه‌ها و از سوی دیگر به دلیل بالا بردن تقاضا برای کالاها و خدمات دولتی تأثیری افزایشی بر حجم عملیات دولت دارد. در هر حال می‌توان گفت که در عملیات فنی دولت تأخیر بهره‌وری یا شکاف بهره‌وری وجود داشته باشد. بر این اساس، دولت در پذیرش و گزینش دانش فنی در مقایسه با بخش خصوصی تأخیر دارد (خلعت بری، ۱۳۷۱: ۳۵-۳۶) و این عناصر نیز می‌توانند عاملی در گسترش حجم دولت محسوب شوند. اهمیت اندازه جمعیت و تأثیر آن بر حجم دولت از دیرباز مورد توجه بوده است. زیرا بسیاری از مطالعه‌های مربوط به آزمون هزینه‌های بخش عمومی به صورت سرانه انجام گرفته است. جدای از اندازه جمعیت، ساختار سنی، تمرکز جغرافیایی (وسعت شهرنشینی) جمعیت نیز به عنوان متغیرهایی قلمداد می‌شوند که موجب گسترش هزینه‌های دولت و رشد دولت می‌شوند. عوامل دیگری نیز می‌تواند بر اندازه دولت در اقتصاد اثر بگذارند. از جمله؛ صنعتی شدن، درجه باز بودن اقتصاد، کسری بودجه تعداد کارکنان بخش عمومی، رانت جویی دولتمردان، نوع حکومت و امثال آن از این قبیل هستند. اینها ظرفیت‌های بالا بردن اندازه دولت در سطح ملی و محلی محسوب می‌شوند (اسمترز^{۱۸}، ۱۹۹۹).

۲- مطالعات انجام شده در مورد رشد دولت ملی و محلی

شاید بتوان گفت اولین مطالعه تجربی در زمینه رشد دولت به اقتصاددان قرن نوزدهم آلمان، آدولف واگنر مربوط می‌شود. جالب توجه است که تئوری و الگویی که واگنر آزمون کرد به قانون واگنر نیز مشهور است. وی بیان می‌دارد که: «با رشد درآمد سرانه اقتصاد، اندازه نسبی بخش عمومی نیز افزایش می‌یابد.» وی طبق مشاهده‌های خود مسئله رشد بخش عمومی چند کشور اروپایی، آمریکا و ژاپن را طی قرن نوزدهم مورد مطالعه قرار داد. واگنر دریافت: مادامی‌که اقتصاد در جهت صنعتی شدن پیش می‌رود ماهیت روابط بین بازارها، گسترده‌تر و واحدها و مؤسسه‌های موجود در این بازارها نیز

پیچیده‌تر می‌شود. شهرنشینی و تراکم زیاد جمعیت موجب بروز پیامدهای جانبی و خارجی شده و در نتیجه برای حل و فصل آنها مداخله یا قانون‌گذاری بخش عمومی ضرورت می‌یابد (بیرد^{۱۹}، ۱۹۷۱). بدیهی است خود این امور، مستلزم دخالت بیشتر دولت و بخش عمومی در اقتصاد است.

واگنر ظهور بخش‌های خدمات بانکی دولتی، خدمات قانونی، رشد هزینه‌های آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی ارائه شده توسط بخش عمومی را مورد تأکید قرار داده و کسب درآمدی تقاضای آنها را محاسبه کرده است. از نظر واگنر، این خدمات دارای حساسیت درآمدی تقاضای بالاست. از این رو، با افزایش درآمد حقیقی مخارج بخش عمومی برای این خدمات به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد و این به نوبه خود باعث افزایش نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص ملی می‌شود (پورمقیم، ۱۳۷۸: ۳۰۶).

این الگو با وجود روشنگری‌های مفیدی که دارد، مشکلاتی نیز دارد که عبارتند از:

۱- این الگو (با وجود ارزش تجربی زیاد) از یک بدنه نظری قوی و منسجم در تحلیل مسائل بخش عمومی برخوردار نیست، به این صورت که واگنر در ترسیم نظریه مربوطه تنها از تجارب کشورها استفاده کرده و در ضمن دولت را بر مبنای تصویری ارگانیکی فرض می‌کند.^{۲۰}

۲- قانون واگنر در شرایط خاص تاریخ صنعتی شدن برخی از کشورهای پیشرفته تدوین شده است، لذا نمی‌توان آن را برای همه شرایط (از جمله در مراحل غیرصنعتی شدن) تعمیم داد.

۳- واگنر توجه خاصی به بخش تقاضا داشته ولی اهمیتی برای بخش عرضه اقتصاد قایل نمی‌شود.

مطالعات زیادی به بررسی قانون واگنر پرداخته‌اند. برای مثال «بیرد»، نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص ملی را به عنوان یک شاخص برای اندازه‌گیری دولت، در پنج کشور توسعه یافته مورد استفاده قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که قانون واگنر در این کشورها تنها در قالب‌های کلی قابل دفاع است (بیرد، ۱۹۷۱).

جک دیاموند^{۲۱} در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که قانون واگنر برای کارکرد دولت در کشورهای آمریکا، کانادا، آلمان، ایتالیا و ژاپن صادق نیست اما برای دو کشور فرانسه و انگلستان صادق است (دیاموند، ۱۹۸۹). کولیری^{۲۲} و همکارانش معتقد بودند که

قانون واگنر برای تحلیل رفتار دولت در هفت کشور آلمان، استرالیا، انگلیس، ژاپن ایتالیا، فرانسه و کانادا مصداق دارد. وهاب^{۲۳} تأکید می‌کند که قانون واگنر تنها برای کشورهای اروپایی قابل دفاع است (وهاب، ۲۰۰۴). همچنین یاک^{۲۴} با بررسی اقتصاد انگلستان برای یک دوره بلندمدت معتقد است که قانون واگنر برای دوره ۱۹۹۳-۱۸۳۰ آن کشور قابل دفاع است (یاک، ۲۰۰۵).

پس از مطالعه واگنر و در راستای اصلاح و تکامل آن مطالعات زیادی برای توجیه رفتار دولت محلی و استانی صورت گرفته است که معرفی مهمترین آنها را پی می‌گیریم. رام^{۲۵} (۱۹۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «اندازه دولت و رشد اقتصادی» با ارائه یک چارچوب تئوریک قوی و در عین کاربرد الگوی نسبتاً ساده‌ای به بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی پرداخته است (رام، ۱۹۸۶: ۲۰۳). اساس کار او مفاد مقاله‌ای تحت عنوان «صادرات و رشد اقتصادی» از گرشن فدر^{۲۶} است (فدر، ۱۹۸۳: ۶۲).

در چارچوب تئوریک مطالعه راتی رام، توابع تولید بخش دولتی و غیردولتی در اقتصاد به طور جداگانه در نظر گرفته می‌شود که در آن تولید هر بخش به دو نمونه از عوامل تولید (کار و سرمایه) بستگی دارد. همچنین تولید بخش دولتی به عنوان یک نهاد در تابع تولید بخش غیردولتی عمل می‌کند. تولید کل جامعه در الگوی رام از مجموع تولید دو بخش دولتی و غیردولتی به دست می‌آید. مجموع شاغلین دو بخش، کل شاغلین جامعه و مجموع سرمایه موجود در دو بخش، کل سرمایه جامعه را تشکیل می‌دهد. داده‌های استفاده شده توسط راتی رام از ۱۱۵ کشور (از جمله ایران) گردآوری شده است. با توجه به اینکه ما در این مقاله در طراحی الگویی برای تجزیه و تحلیل اندازه دولت استانی در ایران از بخش‌هایی از مطالعه و مدل رام استفاده کرده‌ایم، به آن مدل مرور دقیق‌تری می‌نماییم. معادلات مورد بررسی راتی رام به صورت زیر طراحی شده‌اند:

$$\begin{aligned}
 (1) \quad \frac{dy}{y} &= \alpha \left(\frac{I}{y} \right) + \beta \left(\frac{dL}{L} \right) + \left[\frac{\delta}{1+\delta} + c_1 \right] \left(\frac{dG}{G} \right) \left(\frac{G}{Y} \right) \\
 (2) \quad \frac{dy}{y} &= \alpha \left(\frac{I}{y} \right) + \beta \left(\frac{dL}{L} \right) + \left[\frac{\delta}{1+\delta} + \theta \right] \left(\frac{dG}{G} \right) \left(\frac{G}{Y} \right) + \theta \left(\frac{dG}{G} \right) \\
 (3) \quad \frac{dy}{y} &= \alpha \left(\frac{I}{y} \right) + \beta \left(\frac{dL}{L} \right) + \theta \left(\frac{dG}{G} \right)
 \end{aligned}$$

که در آن $\frac{dy}{y}$ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، I سرمایه‌گذاری، L نیروی کار، $\frac{dL}{L}$ نرخ

رشد نیروی کار، $\frac{dG}{G}$ نرخ رشد مخارج دولت، θ تفاوت بهره وری عوامل در دو بخش دولتی و غیردولتی است. C_G اثر نهایی مخارج دولت بر تولید بخش غیردولتی است. $\theta = C_G \left(\frac{G}{C}\right)$ کشش تولید بخش غیردولتی نسبت به سطح تولید دولتی (اثر خارجی اندازه دولت) است. راتی رام در نهایت و پس از کاربرد مدل خود چند نتیجه می‌گیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- اثر کلی مخارج دولت (ملی و محلی) بر رشد اقتصادی تقریباً در کلیه موارد مثبت بوده است (به جز چند کشور که خیلی مؤثر نبوده است).
- ۲- اثر خارجی و جانبی اندازه دولت عموماً مثبت بوده است.
- ۳- بهره‌وری عوامل در بخش دولتی حداقل در دهه ۱۹۶۰ از بخش غیر دولتی بیشتر بوده است.

همچنین رام (۱۹۸۷) با تقسیم‌بندی کشورها سعی در آزمون قانون واگنر برای ۱۱۵ کشور نمود. وی با بکارگیری دو الگوی زیر به آزمون این قانون پرداخت:

$$\text{Log} \left[\frac{G}{GDP} \right] = a + b \text{Log}(Y_{PC}) + u \dots \dots \dots (3)$$

$$\text{Log}(G) = c + d \text{Log}(T) + v \dots \dots \dots (3')$$

که $\left[\frac{G}{GDP} \right]$ نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، Y_{PC} درآمد سرانه حقیقی Y تولید ناخالص حقیقی، U, V جملات اخلاص در الگوهای مربوطه بوده‌اند. در مطالعه فوق فرضیه واگنر در ۶۰ درصد از کشورهای مورد بررسی تأیید شد و در بقیه موارد رد می‌گردد (رام، ۲۰۴: ۱۹۸۷).

جک دیاموند تئوری دیگری در مورد حجم و اندازه دولت را مورد بررسی قرار داد. وی تئوری اقتصادی «انتخاب عمومی»^{۲۷} را برای ۷ کشور صنعتی آلمان، استرالیا، انگلیس ژاپن، ایتالیا، فرانسه و کانادا در فاصله سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۳ بررسی و آزمون کرد. ایشان با طراحی یک الگوی سازگار اقتصاد سنجی به بررسی پیوند اندازه دولت و مخارج دولتی در سطح استانی و ملی پرداخت. او همچنین سایر الگوهای مخارج دولتی را (که به عقیده وی) بر اساس فرایند علمی ساخته نشده بودند و همچنین کسانی را که بر مبنای یک سری



الگوهای سطحی (به تعبیر وی) به بررسی مخارج دولت پرداخته بودند، مورد انتقاد قرار داد. الگوی نهایی دیاموند به صورت زیر استخراج گردیده است.

$$OCN = a \left[\left(\frac{T}{G} \right) \left(\frac{1}{N} \right) \right]^{b} (eW^f N^g)^{c} Y^d A^e \quad (4)$$

ضریب b برآوردهای مستقیم قیمت مالیاتی، ضریب c کشش درآمدی تقاضا برای خدمات دولت، f برآوردهای غیرمستقیم نرخ رشد بهره‌وری در بخش دولتی، g درجه عمومیت^{۲۸} خدمات دولتی، $(eW^f N^g)^{c}$ هزینه واحد سبد خدماتی دولت که به صورت تابعی از نرخ متوسط دستمزد و کل جمعیت تعیین می‌شود. N کل جمعیت، W نرخ متوسط دستمزد، A جز اخلاص می‌باشد. نتیجه تجربی بسیار مهم دیاموند از مطالعه و آزمون مدل مورد نظر این بود که کاهش اهمیت نسبی مالیات در تأمین مخارج دولت باعث افزایش مخارج حقیقی دولت در تمام کشورها می‌شود.

ابی زاده و همکارش (۱۹۸۸) با استفاده از الگوی لگاریتمی زیر (شماره ۵) عوامل مؤثر بر افزایش مخارج دولت در کانادا را مورد بررسی قرار دادند. ER نسبت مخارج دولت به GDP ، OP درجه باز بودن اقتصاد، DR نرخ تکفل، U نرخ بیکاری، PF درصد افراد با مواضع لیبرالی، Y درآمد ملی، $LFGR$ درصد افراد شاغل در بخش دولتی و e جمله اخلاص می‌باشد (ابی زاده^{۲۹}، ۱۹۸۸).

$$\begin{aligned} \text{Log}(ER_t) = & \alpha + \beta_1 \text{Log}(OP_t) + \beta_2 \text{Log}(DR_t) + \beta_3 \text{Log}(U_{t-1}) \\ & + \beta_4 \text{Log}(PF_t) + \beta_5 \text{Log}(Y_{t-1}) + \beta_6 \text{Log}(LFGR_t) + \varepsilon \rightarrow \dots \end{aligned} \quad (5)$$

همانطور که ملاحظه می‌شود آنها با آزمون الگوی لگاریتمی ارائه شده ابعاد سیاسی و اقتصادی رشد مخارج دولت ملی و محلی را در کانادا مورد بررسی قرار دادند. همچنین آنها در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۶ تحت عنوان «صنعتی شدن و مخارج دولتی: وضعیتی برای کره جنوبی»، با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۹۷۰-۱۹۹۰ به بررسی اثر صنعتی شدن بر مخارج دولتی در کره جنوبی پرداخته‌اند. مدل تجربی مورد استفاده آنان به صورت زیر تدوین شده بود:

$$\text{Ln}G_t - \text{Ln}G_{t-1} = \alpha_1 (\text{Ln}G_t - \text{Ln}G_{t-1}) + \alpha_2 \text{Ln}Y_t + \beta_1 \text{Ln}X_1 + \dots + \beta_n \text{Ln}X_n \quad (6)$$

که در آن: G_t مخارج حقیقی دولت در سال t ام، GT_t روند مخارج دولتی در سال t ام X_t متغیرهای اقتصادی اجتماعی مؤثر بر مخارج دولتی (شهرنشینی و صنعتی شدن) YR_t اشتغال کامل می باشد (ابی زاده، ۱۹۹۶).

مدل نهایی آنها برای برآزش اقتصاد کره به صورت زیر (شماره ۷) می باشد:

$$\ln G_t = J + (\alpha_1 b) \ln Y_t + (1 - \alpha_1) \ln G_{t-1} + \alpha_2 \ln YR_t + \beta_1 \ln AR_t + \beta_2 \ln UB_t + m \quad (7)$$

که در آن: J عرض از مبدا، Y_t تولید ناخالص بخش خصوصی در سال t ام می باشد. نحوه محاسبه تولید ناخالص بخش خصوصی در مدل مورد نظربه صورت: $Y_t = GDP_t - G_t$ بیان شده است. سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در سال t ام، UB_t سنجشی از تغییرات سطوح شهرنشینی و صنعتی شدن است. (در ضمن نحوه محاسبه این متغیر به صورت نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت کشور ذکر شده است).

ارکین بایرام^{۳۰} (۱۹۹۰) در مقاله ای تحت عنوان «اندازه دولت و رشد اقتصادی: تجربه آفریقا»، یک چارچوب تئوریک متفاوتی را بر پایه تابع قراردادی تقاضا ارائه می دهد و برای آزمون آن از داده های سری زمانی سال های ۸۵-۱۹۶۰ برای ۲۰ کشور آفریقایی استفاده کرده است (بایرام، ۱۹۹۰). مدل بایرام از سه معادله اصلی تشکیل شده است که عبارتند از:

$$(1) I_t = A e^{-\mu} Y_t^{\phi} \left(\frac{P}{P_t}\right)^{\psi} G_t^{\delta}$$

$$(2) C_t = B e^{-\mu} Y_t^{\phi} \left(\frac{P}{P_t}\right)^{\psi} G_t^{\delta}$$

$$(3) Y_t = I_t + C_t + G_t + X_t - M_t$$

که در آن تعریف متغیرها عبارتند از: Y_t تولید ناخالص ملی، G_t مخارج دولت، I_t سرمایه گذاری خصوصی، C_t مصرف خصوصی، X_t صادرات، M_t واردات، $\left(\frac{P}{P_t}\right)$ نسبت قیمت های مصرف خصوصی به سرمایه گذاری در طول زمان A, B سرمایه گذاری و مصرف خصوصی برون زا، μ, δ روندهای نرخ رشد سرمایه گذاری و مصرف خصوصی ϕ, ψ کشش های قیمتی، δ, ϵ کشش های درآمدی مربوطه، ϕ, ψ حساسیت های سرمایه گذاری و مصرف نسبت به مخارج دولت هستند. نتایج معادلات تخمین زده شده توسط بایرام نشان می دهد که در ۱۱ کشور آفریقایی، افزایش مخارج دولت اثر معکوسی بر

رشد اقتصادی دارد اما در ۹ کشور دیگر افزایش مخارج دولت هیچ اثر معکوسی بر رشد اقتصادی نداشته و جالب تر اینکه حتی رشد اقتصادی را شتاب می بخشد. وی در نهایت نتیجه گیری می کند که اثرات مخارج دولت روی رشد اقتصادی از کشوری به کشور دیگر متفاوت می باشد از این رو، نمی توان آنها را تعمیم داد.

جورج کاراس^{۳۱} در مقاله ای تحت عنوان «اشتغال و اثرات تولیدی مخارج دولت: آیا اندازه دولت مهم است یا نه؟»، به بررسی دو موضوع می پردازد: اول اینکه؛ آزمون اثرات تغییرات موقتی و دائمی در مخارج بخش عمومی چگونه است. دوم آنکه؛ ارتباط بین مخارج بخش عمومی و رشد اقتصادی و ارتباط رشد اقتصادی و اندازه دولت چگونه است. یافته های تجربی وی حکایت از این واقعیت دارد که عموماً تغییرات دائمی در مخارج دولت (مرکزی و محلی) اثر بزرگ تری نسبت به تغییرات موقتی به همان اندازه روی تولید و اشتغال دارد. وی همچنین یک ارتباط منفی بین اثرات تولیدی مخارج دولت و اندازه دولت، را نشان داد. همچنین کاراس در مقاله ای در سال ۱۹۹۴ تحت عنوان «مخارج دولت و مصرف خصوصی»، ارتباط بین مصرف خصوصی و مخارج دولت را مورد بررسی قرار داد. هدف از ارائه این مقاله بررسی قابلیت جانشینی بین مصرف عمومی و خصوصی بود.

نتیجه گیری وی از این مقاله به صورت زیر بود:

۱- برخی از زمینه های مصرف دولت (مانند تغذیه در مدارس دولتی) جانشینی نزدیکی با مصرف خصوصی دارد.

۲- در مواردی مانند مخارج حمل و نقل، قابلیت جانشینی بین مخارج دولتی و خصوصی وجود ندارد.

به عبارت دیگر، آنها ممکن است حتی مکمل هم باشند (کاراس، ۳۶۹: ۱۹۹۳). کاراس همچنین تحت عنوان «اندازه بهینه دولت» با استفاده از قانون بارو^{۳۲} (۱۹۹۰) به بررسی این موضوع برای برخی کشورها می پردازد. نتیجه گیری وی به صورت زیر خلاصه می شود:

۱- اندازه دولت در کشورهای منتخب قاره آسیا کمتر از حد مطلوب اما در کشورهای منتخب قاره آفریقا نزدیک حد مطلوب و در سایر کشورهای منتخب به طور مطلوب وجود دارد.

۲- شاخص اندازه بهینه دولت به طور متوسط ۲۳ درصد است.

ولی دامنه آن از ۱۴ درصد در کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تا ۳۳ درصد در آمریکای شمالی تغییر می‌کند (کاراس، ۲۳: ۱۹۹۶). بدیهی است این شاخص هر چه از ۲۳ درصد کمتر باشد، انضباط دولتی بیشتری را نشان می‌دهد. سونگ لی^{۳۳} (۱۹۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «اندازه دولت، تغییرات جمعیتی و رشد اقتصادی» ثابت می‌کند که بار تکفل سنین پیر و جوان با اندازه دولت رابطه مثبت دارد، در حالی که تراکم و اندازه جمعیت با اندازه دولت رابطه منفی دارد (سونگ لی، ۱۹۹۴). همچنین بارو و صلاحی مارتین (۱۹۹۵) مدلی را برای بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی ترسیم کردند که آن هم ابعادی از رشد دولت را پوشش می‌دهد. این مدل به صورت زیر بیان شده است:

$$g_y = f(k, h, \tau, o) \quad (9)$$

که در آن: g_y نرخ رشد تولید سرانه، K سرمایه، h سرمایه انسانی، $\tau = \frac{G}{GDP}$ نسبت انواع مخارج دولتی تأثیر گذار بر نرخ رشد اقتصادی و O درآمدهای نفتی است (بارو، ۱۹۹۵). دائو^{۳۴} (۱۹۹۵) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تعیین کننده‌های مخارج دولت»، به بررسی تأثیر عوامل مختلف مخارج دولت برای ۱۰۵ کشور جهان با استفاده از داده‌های مقطعی می‌پردازد. الگوی مورد استفاده دائو همان است که وی در مقاله ۱۹۹۴ مطرح کرده است (دائو، ۱۹۹۵) در هر صورت الگوی وی به صورت زیر تدوین گردیده است:

$$\text{Log}\left(\frac{E}{P}\right) = b_0 + b_1 \text{Log}(Y_{pc}) + b_2 \text{Log}P_G + b_3 \text{Log}U + b_4 \text{Log}D + b_5 \text{Log}P + \varepsilon \quad (10)$$

$\frac{E}{P}$ بیانگر هزینه‌های سرانه دولت، Y_{pc} درآمد سرانه، P_G قیمت واحد کالاهای عمومی U درجه شهرنشینی، D تراکم جمعیتی و ε جمله اخلاص می‌باشد. دائو الگوی فوق را برای پنج نوع خدمات عمومی (دفاع، مسکن، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، بهداشت) برآورد کرد.

اوهن و مانو در مقاله‌ای تحت عنوان: «مخارج دولت و تأمین مالی کسری: تجربه کشور غنا» برای دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۵۵ دریافتند که از سال ۱۹۶۰ مخارج دولت در غنا از درآمدهای دولتی پیشی گرفته است که این باعث ایجاد کسری‌های مالی شده است.

الگوی به کار رفته توسط اوهن و مانو همان الگوی «نیسکانن» برای کشور آمریکا و الگوی «جک دیاموند» برای ۷ کشور صنعتی (گروه ۷) است. هدف اوهن و مانو آزمون فرضیه بوکانن و واگنر برای کشور غناست. طبق این فرضیه، تأمین مالی کسری بالای بودجه دولت، تمایل به افزایش مخارج عمومی در بخش‌های واقعی دارد.^{۳۵}

طبق این مطالعه در هر نقطه از زمان، تعداد واحدهای در دسترس سبد کالاها و خدمات عمومی بستگی به سهم آشکار شده هزینه واحد کالاها و خدمات عمومی (یعنی سهمی از هزینه واحد سبد کالاها و خدمات دولتی که به وسیله مالیات دهنده پرداخت می‌شود) و درآمد سرانه دارد. این موضوع به صورت رابطه زیر (شماره ۱۱) ارائه می‌شود:

$$(11) X = \beta_1 (S.C)^{\alpha} Y^{\gamma} e^{\nu}$$

که در آن: X تعداد واحدهای سبد کالا و خدمات عمومی، C هزینه واحد کالاها و خدمات عمومی، S سهم آشکار شده هزینه واحد کالا و خدمات عمومی، Y درآمد سرانه و اجزاء اخلاص می‌باشد. در عمل محاسبه X, C, ممکن نیست چرا که از یک طرف خدمات قابل شمارش نیستند و از طرف دیگر خدمات دولت عمدتاً تفکیک ناپذیر و غیر قابل رقابت هستند. برای رفع این مشکل معادله اول به دو صورت مخارج سرانه و مخارج کل دولت تبدیل می‌شود:

$$\begin{aligned} X.C &= \beta_1 S^{\alpha} C^{\alpha+1} Y^{\gamma} e^{\nu} \\ X.C.N &= \beta_1 S^{\alpha} C^{\alpha+1} Y^{\gamma} N e^{\nu} \end{aligned} \quad (12)$$

که X.C.N مخارج سرانه دولت، X.C.N مخارج کل دولت، N جمعیت است. نیسکانن دو فرض را برای معادلات بالا و رفع مشکل در مورد خدمات دولت مطرح می‌کند. فرض اول وی این است که سهم آشکار شده هزینه واحد کالا و خدمات عمومی برابر است با نسبت سرانه درآمد مالیاتی به مخارج کل دولت که به صورت معادله شماره (۱۳) بیان می‌شود:

$$S = \left(\frac{T}{G} \right) \left(\frac{1}{N} \right) \quad (13)$$

که T درآمدهای مالیاتی دولت و G مخارج کل دولت است (نیسکانن، ۱۹۷۱). تحت شرایط بودجه متوازن سهم آشکار شده هزینه واحد کالا و خدمات عمومی با افزایش جمعیت کاهش خواهد یافت. فرض دوم نیسکانن این است که هزینه واحد کالاها و

خدمات عمومی بر حسب نرخ متوسط دستمزد در بخش خصوصی و جمعیت اندازه‌گیری می‌شود (معادله شماره ۱۴).

$$C = \alpha W^\lambda N^\delta \quad 0 < \lambda < 1, \delta > 0 \quad (14)$$

که δ, λ به ترتیب پارامترهای اندازه‌گیری «اثر بهره‌وری» و «اثر ازدحام» هستند. اگر $\lambda > 0$ باشد رشد بهره‌وری در بخش خصوصی بیشتر از بخش عمومی است. اما اگر $\lambda = 1$ باشد افزایش بهره‌وری در بخش عمومی صفر است. همچنین اگر $\delta = 0$ باشد کالاها و خدمات عمومی، «کالای عمومی خالص» محسوب می‌شوند، و اگر $\delta > 1$ باشد هزینه واحد کالاهای عمومی به طور مستقیم متناسب با جمعیت است. اگر $\delta > 1$ باشد «اثر ازدحام» در هزینه واحد تهیه کالاها و خدمات عمومی وجود دارد. با جایگزین کردن دو معادله (۱۳) و (۱۴) در معادله مخارج کل دولت (معادله شماره ۱۲) و ساده‌سازی‌های لازم، تابع مخارج کل دولت به صورت معادله (۱۵) خواهد بود.

$$XCN = A \left(\frac{T}{G}\right)^\alpha Y^\lambda N^\delta W^\delta \quad (15)$$

که در آن:

$$\begin{aligned} A &= \beta_0 \alpha^{1+\lambda} \\ \phi &= 1 - \beta_1 + \delta + \delta\beta_1 \\ \theta &= \lambda - \lambda\beta_1 \end{aligned}$$

اما معادله بالا یک تابع توانی است و قابل برآورد با روش حداقل مربعات معمولی نیست. برای رفع این مشکل می‌توانیم از طرفین تابع مربوطه لگاریتم بگیریم. آنگاه داریم:

$$\ln XCN = A_1 + \beta_1 \ln\left(\frac{T}{G}\right) + \lambda \ln Y + \phi \ln N + \theta \ln W + u \quad (16)$$

که: $L_n A = A_t$

این معادلات به روش حداقل مربعات معمولی برای کشور غنا از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۰ برآزش شده است. شام بات^{۳۶} در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد سیاسی مخارج و درآمدهای عمومی در هند» به بررسی عوامل مؤثر بر افزایش هزینه‌های دولتی پرداخته است. الگوی لگاریتمی مورد استفاده شام بات برای اقتصاد هند به صورت معادله (۱۷) طراحی گردیده است:

$$\begin{aligned} \text{Log}G_t = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Log}PD_{t-1} + \alpha_2 \text{Log}TR_{t-1} + \alpha_3 \text{Log}PI_{t-1} \\ & + \alpha_4 \text{Log}DO_{t-1} + \alpha_5 \text{Log}DR_t + \alpha_6 \text{Log}DP_t + \alpha_7 \text{Log}CPI \\ & + \alpha_8 \text{Log}UR_{t-1} + \alpha_9 \text{Log}UP_t + \alpha_{10} \text{Log}MS_t + \alpha_{11} D_t + U_t \dots \dots \dots \end{aligned} \quad (17)$$

که در آن: G نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، PD بدهی سرانه دولت TR درآمد سرانه مالیات، PI درآمد سرانه، DO درجه باز بودن اقتصاد، DR بار تکفل DP تراکم جمعیتی، CPI شاخص قیمت مصرف کننده، UR نرخ بیکاری، UP درجه شهرنشینی، MS نسبت عرضه پول به تولید ناخالص داخلی، D متغیر مجازی و جمله اخلاص می باشد. شام بات نتیجه گیری می کند که درجه باز بودن اقتصاد و نرخ بیکاری در اقتصاد هند ارتباط مثبت و معنی داری با اندازه مخارج دولت دارد. متغیر توضیحی تراکم جمعیتی و شهرنشینی اثر منفی و معنی داری بر اندازه مخارج عمومی دارد (بات، ۱۹۹۶). همچنین نویسندگان این مقاله در پژوهش مستقلی مدل ساده ای را با هدف بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر مخارج دولت در ایران بر مبنای بودجه کشور طراحی و برای دوره ۱۳۸۳-۱۳۵۳ مورد پردازش قرار داده اند. مدل مربوطه به صورت تابع شماره (۱۸) زیر طراحی گردیده است:

$$LG_t = \alpha + \beta_1 LOIL_t + \beta_2 LT_t + \beta_3 LNTO_t + \beta_4 LCPI + \epsilon_t \quad (18)$$

لگاریتم مخارج کل دولت، لگاریتم درآمدهای نفتی، لگاریتم درآمدهای مالیاتی لگاریتم سایر درآمدهای عمومی دولت، لگاریتم شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و سرانجام جمله اخلاص می باشد. نتایج برازش تخمین مدل برای اقتصاد ایران به صورت رابطه شماره (۱۹) است:

$$\begin{aligned} LG = & 7.46 + 0.14 * LOIL + 0.25 * LT + 0.11 * LNTO - 0.02 * LCPI \\ t & (16/7) \quad (2/2) \quad (3/3) \quad (2/1) \quad (-1/1) \\ R^2 = & .077 \quad D.W = 1.80 \quad F = 22.3 \quad (19) \end{aligned}$$

ضرایب مربوط به درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولت بر مخارج دولت اثر مثبت و معنی دار دارد. اما ضریب مربوط به شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی بر مخارج کل دولت اثر منفی و معنی داری دارد. مدل فوق و مدل های تبیین شده در بخش های قبلی، به عنوان یک مبنای طراحی مدل جدیدی در تحلیل

اندازه دولت استانی در اقتصاد ایران در بخش پایانی محسوب می‌شوند.

۳- الگوی تجزیه و تحلیل اندازه دولت استانی در اقتصاد ایران

با کمک مجموعه مطالعاتی که در زمینه حجم دولت مرکزی و محلی انجام داده ایم و با توجه به ساختار استان‌های کشور، مدلی طراحی کرده ایم که می‌تواند اندازه دولت در سطح استانی در ایران را تحلیل نماید. بدیهی است که با پذیرش قوت تحلیلی مدل مربوطه از نظر ریاضی و با عنایت به آنکه مبانی تئوریک کافی دارد، انجام آزمون کمی دولت استانی در ایران بسیار سراسر خواهد بود. زیرا تنها داده‌های استانی در آن به کار رفته ضرایب متغیرها برآورد می‌شوند. قبل از معرفی عناصر و ابعاد این مدل، مدل مربوطه را ملاحظه می‌کنیم. مدل مورد نظر برای بررسی عوامل مختلف بر مخارج دولتی در سطح استانی برای اقتصاد ایران به صورت رابطه شماره (۲۰) تعیین می‌شود:

$$\begin{aligned} \ln(GTL_t) = & \alpha + \beta_0 \ln\left(\frac{T_t}{GTL_t}\right) + \beta_1 \ln(ACH_t) + \beta_2 \ln(POP_t) \\ & + \beta_3 \ln(DB_t) + \beta_4 \ln(DU_t) + \beta_5 \ln(DI_t) \\ & + \beta_6 \ln(CPI_t) + U_t \dots \dots \dots \end{aligned} \quad (20)$$

که در آن: CTL_t مخارج کل استان، α عرض از مبدا، T_t کل درآمدهای مالیاتی، $\left(\frac{T_t}{GTL_t}\right)$ نسبت مالیات به مخارج کل استان، ACH_t هزینه متوسط سرانه، POP_t جمعیت کل استان، DB_t درجه بوروکراسی، DU_t درجه شهرنشینی، DI_t درجه صنعتی شدن (صنعت پذیری) استان، CPI_t شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و سرانجام U_t جز اخلاص می‌باشد. قبل از پرداختن به معرفی متغیرهای الگو، ذکر این نکته ضروری است که می‌توان به جای متغیر جمعیت کل استان از متغیرهای دیگر در حالات مختلف استفاده کرد. متغیرهایی نظیر سرمایه انسانی، نرخ بیکاری، بار تکفل (به صورت کل یا تفکیک به بار تکفل سنین پیر و جوان)، تراکم جمعیت و امثال آن. حال لازم است متغیرهای موجود در الگو و نحوه محاسبه آنها مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مخارج کل استان (GTL_t): این عنصر، متغیر وابسته در الگوی ارائه شده، کل مخارج دولت در سطح استان t ام است.^{۲۷}

۲- نسبت مالیات‌ها به مخارج کل استان: اصولاً مالیات در هر استان در شرایط استاندارد اقتصادی ترین ابزار تأمین هزینه‌ها می‌باشد. این سهم همچنین نشان می‌دهد که چه مقدار از هزینه‌های هر استان از طریق درآمدهای غیر مالیاتی تأمین می‌شود. در نتیجه به طور غیرمستقیم در کشور ما سهم نفت از تأمین هزینه استانی نیز در قالب متغیر فوق قابل محاسبه است. در هر حال دلیل اصلی آوردن چنین متغیری در الگوی استانی نشان دادن اثر تأمین مالی مخارج دولت در استان از محل درآمدهای مالیاتی، از مخارج کل استان می‌باشد.

۳- درآمد سرانه (هزینه متوسط سرانه) خانوار (CH): اصولاً در آمد سرانه در الگوهای استانی یک متغیر کلیدی منعکس کننده حجم و اندازه دولت استانی است (تیبوت^{۳۸}، ۱۹۶۵). همانطور که در بحث قبل در معرفی الگوهای مختلف اندازه دولت نیز بیان شد این متغیر در مدل‌های مخارج عمومی به صورت شایانی وجود دارد و آمار آن در سطح کلان برای ایران وجود دارد. اما یافتن آمار کامل استانی در همه موارد ساده به نظر نمی‌رسد. لذا در صورت نبود اطلاعات و آمار کافی مربوط به این متغیر برای سطح استانی می‌توان شاخص جایگزین یا نمایانگر انتخاب نمود. این شاخص جایگزین یا نمایانگر می‌تواند هزینه متوسط خانوار یا درآمد متوسط خانوار باشد (پروین، ۱۳۷۵).

۴- جمعیت کل استان (pop): جمعیت هر استان در سهم بری از هزینه‌های دولت نقش کلیدی دارد (کلی^{۳۹}، ۱۹۷۶). بدیهی است داده‌های مربوط به این متغیر در ایران به طور دقیق وجود دارد^{۴۰}.

۵- درجه بوروکراسی (DB): درصد شاغلان بخش دولتی از کل شاغلان جامعه معمولاً به عنوان شاخص بوروکراسی معرفی می‌شود. به منظور محاسبه این متغیر می‌توان از فرمولی مشابه رابطه (۲۱) استفاده نمود:

$$DB_t = \frac{NEL_t}{TEL_t} \cdot 100 \dots \dots \dots (21)$$

که در آن DB_t درجه بوروکراسی، NEL_t تعداد شاغلان بخش دولتی در استان، TEL_t بیانگر کل شاغلان استان می‌باشد. هدف از آوردن چنین متغیری در الگوی مورد نظر

نشان دادن اثر گسترش تشکیلات اداری دولت بر هزینه‌های عمومی دولت در سطح استان‌ها می‌باشد. دشواری چندانی در جمع آوری داده‌های مربوط به این متغیر در ایران وجود ندارد (سالنامه آماری، ۱۳۸۳).

۶- درجه شهرنشینی (DU_t): همانطور که واگنر بیان داشت: شهرنشینی و تراکم زیاد جمعیت موجب بروز پیامدهای جانبی و خارجی شده و حضور یا حداقل قانون‌گذاری بخش عمومی ضرورت می‌یابد. بدیهی است خود این امور، مستلزم دخالت بیشتر دولت و بخش عمومی در اقتصاد است. قطعاً شهرنشینی نسبت به زندگی روستایی، تقاضای بیشتری را برای کالاها و خدمات عمومی و تسهیلات رفاهی جدید ایجاد می‌کند. نحوه محاسبه درجه شهرنشینی استان‌ها را می‌توان به صورت رابطه (۲۲) نشان داد:

$$DU_t = \frac{POP_t}{TPOP_t} \cdot 100 \dots \dots \dots (22)$$

در فرمول فوق، POP_t جمعیت شهری استان مربوطه، $TPOP_t$ کل جمعیت کشور و DU_t درجه شهرنشینی است (ابی زاده، ۱۹۹۶). در ضمن تحول کمی قابل توجهی در جابجایی جمعیت شهری و روستایی در استان‌های ایران رخ داده است. در قالب سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت شهری ۶۸/۴ و جمعیت روستایی ۳۱/۵ درصد گزارش شده است. (این روند نسبت به اوایل انقلاب تقریباً برعکس شده است).

۷- درجه صنعتی شدن (DI_t): این شاخص به صورت نسبت ارزش افزوده بخش صنعت در هر استان به ارزش افزوده کل بخش‌ها در آن استان قابل تعریف می‌باشد. لذا نحوه محاسبه این شاخص را می‌توان به صورت رابطه (۲۳) نشان داد:

$$DI_t = \frac{AII_t}{ATL_t} \cdot 100 \dots \dots \dots (23)$$

که در آن: DI_t درجه صنعتی شدن، AII_t ارزش افزوده بخش صنعت در استان و ATL_t جمع ارزش افزوده کل بخش‌ها در استان مربوطه است. این شاخص به عنوان یک متغیر مستقل در توجیه روند اندازه دولت در سطح استانی کاربردهای زیادی دارد. اما به دلیل عدم وجود اطلاعات مربوط به ارزش افزوده بخش‌ها در استان‌ها در ایران، از

فرمول‌های دیگری نیز می‌توان به عنوان جایگزین استفاده کرد. یکی از این نمونه فرمول‌ها را می‌توان به شکل رابطه (۲۴) نشان داد:

$$DI_t = \frac{EIL_t}{ETL_t} \cdot 100 \dots \dots \dots (24)$$

که EIL_t شاغلان بخش صنعت در استان و ETL_t کل شاغلان استان می‌باشد. در ضمن برای این مطالعه آمارهای مربوطه حداقل تا اوایل سال ۱۳۸۴ در اختیار می‌باشد (بانک مرکزی ۱۳۸۴).

۸- نرخ تورم و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی (CPI): شاخص قیمت مصرف‌کننده معمولاً یک بیان از استاندارد زندگی و وضع رفاهی خانوارها می‌باشد. بدیهی است بالا بودن این شاخص کاهش رفاه شهروندان را نشان می‌دهد. وجود تورم نیز یک دغدغه جدی جامعه بوده می‌طلبد که دولت در برخی شرایط برای حصول به تثبیت قیمت‌ها در مورد آن هدف گذاری کند. هر نوع سیاست گذاری در مقابله با تورم می‌تواند هزینه بخش عمومی را در سطح استانی بالا ببرد. برای نشان دادن روند سطح عمومی قیمت‌ها، تکنیک‌های مختلفی وجود دارد. یک راه ساده محاسبه نرخ تورم می‌تواند به صورت زیر باشد:

$$P_t = \frac{P_t - P_{t-1}}{P_{t-1}} \cdot 100$$

برای محاسبه این متغیر در الگوهای مقطعی از شاخص قیمت کالاهای مصرفی استان‌ها استفاده می‌شود و برای الگوهای سری زمانی در استان‌ها به خاطر تخصیصی بودن بودجه استان معمولاً از شاخص قیمت کالاهای مصرفی کل کشور استفاده می‌شود (پوکین^۴، ۲۰۰۴).

کاربرد چند متغیر جایگزین

همانطور که اشاره شد می‌توان به جای متغیرهای جمعیتی و مانند آن از متغیرهای جایگزین و یا نمایانگری نیز استفاده کرد. در این رابطه مناسب می‌دانیم به متغیرهای نرخ بیکاری شاخص سرمایه انسانی و شاخص تراکم یا تمرکز و حتی شاخص بار تکفل نیز اشاره نمود.

۱- نرخ بیکاری: یکی دیگر از عوامل مؤثر بر افزایش مخارج عمومی دولت، در سطح استان، نرخ بیکاری است. یک نحوه محاسبه بسیار ساده این شاخص به صورت زیر می باشد:

$$UR_t = \frac{UN_t}{UN_t + EN_t} \cdot 100$$

که در آن UR_t نرخ بیکاری، UN_t جمعیت بیکار در جستجوی کار و $UN_t + EN_t$ جمعیت شاغل هستند. اصولاً یکی از سیاست‌های تثبیت اقتصادی مبارزه با بیکاری است که خود زمینه گسترش دولت را فراهم می‌کند.

شاخص سرمایه انسانی (HUM_t): نیک نماد از این شاخص نسبت تعداد دانش آموزان دبیرستانی به جمعیت استان است. یک نحوه محاسبه این شاخص به صورت رابطه (۲۵) می باشد:

$$HUM_t = \frac{NSL_t}{POP_t} \dots \dots \dots (25)$$

که در آن: HUM_t سرمایه انسانی و NSL_t تعداد دانش آموزان دبیرستانی در استان و جمعیت استان می باشد.

۲- شاخص تمرکز (تراکم) جمعیت (DD): همانطور که در مباحث قبل بیان شد تمرکز جمعیت می تواند موجب گسترش هزینه های دولت و رشد دولت هم در سطح فدرال و هم در سطح استانی گردد (نیوتن^{۴۲}، ۱۹۹۲). دلیل این امر عمدتاً ایجاد تقاضای بیشتر برای مصرف کالاهای عمومی است. یک طریق نحوه محاسبه این متغیر به صورت رابطه (۲۶) است:

$$DD_t = \frac{POP_t}{ML_t} \cdot 100 \dots \dots \dots (26)$$

که در آن: DD_t درجه تمرکز جمعیت، POP_t جمعیت استان و ML_t مساحت استان است.

۳- بار تکفل (DR_t): یکی از متغیرهایی که به ویژه در توجیه رشد دولت استانی طرح

می‌شود، بار تکفل است. بار تکفل را می‌توان به دو شکل، بار تکفل سنین جوان و بار تکفل سنین پیر در مدل وارد کرد. کلی (۱۹۷۶) نحوه محاسبه این دو را به صورت زیر بیان می‌کند:

$$\begin{aligned}
 DR_t &= \frac{POPU_t}{POPAC_t} \cdot 100 \\
 DRY_t &= \frac{POPS15}{POPAC_t} \cdot 100 \\
 DRO_t &= \frac{POPU65}{POPAC_t} \cdot 100
 \end{aligned}
 \tag{۲۷}$$

که در آن: DR_t بار تکفل، $POPU_t$ جمعیت غیر فعال، $POPAC_t$ جمعیت فعال، DRY_t بار تکفل سنین جوان، $POPS15$ جمعیت زیر ۱۵ سال، DRO_t بار تکفل سنین پیر، $POPU65$ جمعیت بالای ۶۵ سال می‌باشد. در ضمن برای محاسبه دقیق‌تر مشتقات بار تکفل تعریف مربوطه را به تفکیک ملاحظه می‌کنیم:

- ۱- بار تکفل: جمعیت غیرفعال به جمعیت فعال (جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال).
- ۲- بار تکفل سنین جوان = جمعیت زیر ۱۵ سال به درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال (جمعیت فعال).
- ۳- بار تکفل سنین پیر = جمعیت بالای ۶۵ سال به درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال (جمعیت فعال).

اثر اعمال متغیر بار تکفل سنین جوان بر سهم مخارج دولت، (بر اساس تئوری) بایستی مثبت باشد. این اثر مثبت به دلیل تقاضای گسترده و نیاز به تولید و گسترش سرمایه انسانی می‌باشد. این امر نیازمند بودجه‌ای بیشتر برای آموزش عمومی و در عین حال آموزش تعداد بچه‌های در سن مدرسه‌ای بیشتر است. اما لحاظ کردن متغیر بار تکفل سنین پیر بر مخارج دولت، نیز بایستی تأثیر مثبت داشته باشد. دلیل این امر، افزایش مخارج برای امنیت اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی و دیگر هزینه‌های لازم برای تأمین رفاه پیران است.

بعد از معرفی متغیرهای الگو و نحوه محاسبه آنها، یک نکته قابل تأمل در این الگو این است که ممکن است هنگام تخمین آن در سطح استانی (در ایران) میان برخی از متغیرها هم خطی ایجاد شود. در این رابطه می‌توان اشاره کرد که: چون وظیفه این مقاله صرفاً به

طراحی یک الگوی کارآمد و سازگار برای تحلیل رشد دولت استانی بوده، تمام مشکلات احتمالی را شناسایی نمی‌کند. با این حال ما معتقدیم که در صورت وجود مشکل هم خطی می‌توان از روش حذف متغیرها استفاده کرد.

جمع‌بندی پایانی

- ۱- معمولاً فعالیت‌های دولت در سه سطح صورت می‌گیرد، که عبارتند از: ۱- مرکزی
- ۲- ایالتی ۳- محلی. یکی از مسائل بسیار مهم، چگونگی تقسیم وظایف و فعالیت‌های دولت بین سطوح مختلف است. یعنی چه فعالیت‌های باید توسط دولت مرکزی انجام شود و چه فعالیت‌هایی باید به دولت‌های ایالتی و محلی واگذار شود؟
- ۲- این مقاله پس از مروری بر ادبیات تئوریک و عوامل مؤثر بر اندازه و رشد دولت فدرال و دولت محلی و با کمک مطالعات تجربی و معرفی مدل‌های مختلف و با عنایت به ساختار استانی ایران به طراحی یک مدل ترکیبی برای بررسی و تجزیه و تحلیل اندازه دولت در سطح استانی در ایران پرداخته است.
- ۳- در مدل ارائه شده مخارج کل استان تابعی از متغیرهایی همچون؛ جمعیت، نسبت مالیات به مخارج کل استان، هزینه متوسط خانوار، درجه شهرنشینی، درجه صنعتی شدن، درجه بوروکراسی و چند متغیر فرعی است (سازمان مدیریت، ۱۳۸۴).
- ۴- مدل مربوطه با توجه به مطالعه ابعاد عمومی ۳۰ استان کشور (به ویژه جمعیت و هزینه‌های عمومی) و صرفاً به صورتی فرضی و تحلیل ریاضی طراحی گردیده است.
- ۵- این الگو پس از مطالعه خصوصیات مدل‌های به کار رفته در دولت‌های ایالتی گروهی از کشورها تدوین شده^{۴۳} و متغیرهای گزینش شده تا حدود زیادی در مورد ایران سراسر است می‌باشند.
- ۶- میزان اثرگذاری هر کدام از متغیرها را می‌توان با استفاده از داده‌های مربوط به این متغیرها و روش اقتصادسنجی برآورد کرد.
- ۷- وضعیت دیوان سالاری استانی در ایران و اندازه کارکنان اجرای استان‌های سی‌گانه اوضاع صنفی و امور دموگرافی آن سازگاری کافی با مدل مربوطه را دارا می‌باشد (گزارش اجرایی، ۱۳۸۳).



پی نوشت ها:

۱- حتی در قالب حداقلی ترین رویکرد از تئوری دولت نیز نقش دولت در سامان دهی کالاهای عمومی (public goods) و حل و فصل دشواری های پیامدی (externalities) مطرح است. به عنوان مثال آدام اسمیت از سه وظیفه عمده ای که برای دولت در نظر می گیرد یکی تأمین کالاهای عمومی است. چون به عقیده او این کالاها را بخش خصوصی و مکانیسم بازار به صورت کارآمد ارائه نخواهند داد (اسمیت، ۱۳۵۷). جالب توجه است که دو محور کالاهای عمومی و پیامدهای جانبی (و خارجی) حتی در رویکرد نئوکلاسیک نیز از محورهای کلیدی شکست بازار (market Failure) محسوب می شوند. بدیهی است در صورتی که مشکل کالای عمومی و پیامد جانبی وجود نداشته باشد زمینه تحقق کارایی پاراتویی (و بهینه اول) در اقتصاد فراهم خواهد شد و دیگر نیازی به حضور و دخالت دولت وجود نداشت. اما نئوکلاسیک ها هم حضور دولت در موارد شکست بازار را لازم می دانند.

۲- Raghbendra

۳- در این چارچوب و طبق مطالعات و محاسبات کالای عمومی و شاخص سازی های مربوطه اندازه دولت را می توان معادل ارزش کالاها و خدمات عرضه شده توسط دولت تلقی کرد. یعنی قیمت کالاها و خدمات عمومی ارائه شده توسط بخش عمومی ضربدر مقدار تقاضا، نمایانگر اندازه دولت خواهد بود. لذا زمانی که تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی زیاد می شود قیمت و تبعاً ارزش کالاها و خدمات عمومی عرضه شده زیاد می شود. در نتیجه اندازه دولت رشد می یابد (Rosen, 2005, Lee, 1994).

۴- Garret

۵- در ضمن شدت تقاضا برای کالاهای عمومی در سطح منطقه ای و استانی در ایران بیشتر از میانگین سطح کشوری است.

۶- Meltzer and Richard

۷- Atkinson

۸- چون در مدل ملتزر و ریچارد سهم سرانه افراد از محل درآمد دولت در یک وضعیت بودجه متوازن برابر است با درآمد سرانه افراد ضربدر نرخ مالیات بر درآمد. زمانی که نرخ مالیات افزایش یابد، درآمد دولت رشد می یابد و در نتیجه درآمد سرانه افراد از محل درآمد دولت افزایش می یابد. منظور از بودجه متوازن در این مدل این است که چون متغیرها به قیمت واقعی هستند. لذا توزیع منابع واقعی جایجا می شود. همچنین کالا و خدمات عمومی وجود ندارد.

۹- Interest Groups

۱۰- این ویژگی «کالای عمومی» یعنی سواری مجانی موجب می شود تا فرد با رفتار عقلانی ابزاری (پی جویی حداکثر نفع شخصی) سعی کند کمترین مشارکت (دادن پول و یا صرف وقت) را در تأمین منافع مشترک گروهی ارائه دهد. مگر اینکه یک شیوه گزینشی وجود داشته باشد که بتواند بین افرادی که در فراهم آوردن کالاهای عمومی سهیم شده اند و آنهایی که نشده اند، تمایز و تبعیض قائل شد. (Bailey, 1995)

۱۱- Breaucracy

۱۲- Niskanen

۱۳- مدل ساده نیسکانن برای توضیح نقش دیوان سالاری به صورت فرمول (A) در قالب های (A-1) تا (A-4) طراحی شده است که در آن C(Q) هزینه دیوان سالاران است. منافع عمومی برنامه، B(Q)، بودجه دیوان سالاران و تولید دولت سالاران به ترتیب، Q, B خواهد بود که در نهایت خواهیم داشت.

$$B = B(Q), C = C(Q), \quad B' > 0, B'' < 0, C' > 0, C'' < 0 \quad (A-1)$$

$$Q_2 = B(Q) + \lambda [B(Q) - C(Q)] \quad (A-2)$$

$$\frac{\partial B}{\partial Q} = \frac{\lambda}{(1+\lambda)} \frac{\partial C}{\partial Q} \quad (A-3)$$

۱۴- Fiscal Illusion

۱۵- Anderson

۱۶- Peacock

۱۷- W. Fisher

۱۸- Smetters

۱۹- Bird

۲۰- تصور ارگانیکی در مقابل تصور مکانیکی مطرح می‌شود. در تصور ارگانیکی دولت قیم مردم بوده افراد اجزاء و پیروان وی هستند. اما در تصور مکانیکی دولت چیزی غیر از مجموعه‌ای از افراد (که در یک روند دموکراتیک گزینش می‌شوند) نمی‌باشد. رابطه دولت و شهروندان در تصور ارگانیکی به شکل سلسله مراتبی و از حاکم به مردم است ولی در تصور مکانیکی این رابطه دموکراتیک بوده به صورت قرارداد تنظیم می‌شود.

۲۱- Diamond

۲۲- Kolluri

۲۳- Wahab

۲۴- Yak

۲۵- Ram

۲۶- Feder

۲۷- Public choice

۲۸- منظور از اصطلاح عمومیت (Publicness) میزان همبستگی مخارج عمومی مورد نظر به جمعیت است. اصولاً یک سری از خدمات عمومی با میزان جمعیت مرتبط هستند ولی برخی دیگر با آن بی‌ارتباط می‌باشند. مثلاً خدماتی مانند دفاع به جمعیت بستگی ندارد.

۲۹- Abizadeh

۳۰- Bairam

۳۱- Karras

۳۲- Barro

۳۳- Lee

۳۴- Dao

۳۵- این فرضیه برای کشور امریکا و کشورهای در حال توسعه‌ای همچون پاکستان و یونان به درستی به اثبات رسیده است. (Ohene, ۱۹۹۶)

۳۶- Bhat

۳۷- می‌تواند نشانگر هریک از ۳۰ استان کشور باشد.

۳۸- Teibout

۳۹- Keley

۴۰- به ویژه در حال حاضر و در قالب سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، به روزترین آمار از جمعیت استانی در اختیار پژوهشگران می‌باشد. تعداد خانوارهای سرشماری شده نزدیک به ۱۷/۵ میلیون بوده که استان تهران بالاترین (۱۹ درصد جمعیت کشور) و استان ایلام پایین‌ترین (۸ درصد جمعیت کشور) را دارا می‌باشد (مرکز آمار ایران ۱۳۸۵).

۴۱- Pevcin

۴۲- Newton

۴۳- در این زمینه به (Aiginger, ۲۰۰۴) و (Antunes, ۲۰۰۴) مراجعه شود.



منابع فارسی:

- اسمیت، آدام، ثروت ملت‌ها، ترجمه سیروس ابراهیم زاده، نشر پیام، ۱۳۵۷.
- اولین گزارش اهداف توسعه هزاره، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴.
- بانک مرکزی، جدول داده ستانده اقتصاد ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، ۱۳۸۴.
- برنامه، هفته نامه تحلیلی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سال پنجم، شماره ۱۹۳، ۱۳۸۵.
- پروین، سهیلا و قره باغیان، مرتضی، آثار توزیعی مالیات در ایران، نشریه دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۵، ۱۳۷۵.
- پژوهیان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۳.
- پورمقیم، جواد، اقتصاد بخش عمومی، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸.
- تابش، احمد، توسعه و برنامه ریزی در ایران، مجموعه برنامه و بودجه شماره ۳۲، ۱۳۸۳.
- جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی، تهران، سمت، ۱۳۷۱.
- خلعت بری، فیروزه، بررسی علل بزرگ شدن دولت‌ها، مجله پژوهشی اقتصاد و مدیریت، شماره ۱۲، ۱۳۷۱.
- دادگر، یداله، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کل کشور، برنامه ارتقای سلامت، نظام اداری، معاونت توسعه و سرمایه انسانی، ۱۳۸۴.
- سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی، تهران، دفتر آمار محاسبات اقتصادی، ۱۳۸۵.
- سالنامه آماری کارکنان دستگاه‌های اجرایی کشور، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴.
- گزارش ارزیابی دستگاه‌های اجرایی استانی، معاونت امور فنی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۳.
- لایحه بودجه سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ کل کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مرکز آمار ایران، داده‌های مقدماتی سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.

منابع انگلیسی:

- Abizadeh. S. and Yousfi. M. (1996), Industrialization, and Government-expend-iture- in South Korea, International Economic Journal, 10 (1), 1-12.
- Barro And Sala-i-Martin. (1995), "Economic Growth", NY, McGraw-Hill.
- Bird (1971), "Wagner's 'Law' of Expanding State Activity", Public Finance, March, 1-26.
- Abizadeh, S, and Yousfi, M, (1988), Growth of Government Expenditure in Canada", Public Finace Quarterly, January, 78-100
- Aiginger, K, (2004), economic growth in OECD, journal of economic literature.
- Anderson, R, (1985), public finance, NY, McGraw-Hill.

- Atkinson, A, and Stiglitz, J, 1980, lectures in public economics, NY, McGraw-Hill.
- Autunes, A, (2004), government size, JEL, September.
- Bailey, S, (1995), public sector economics, London, Macmillan.
- Bairam (1990), local "Government Size and Economic Growth: The African Experiences, Applied Economic, 1422-1435.
- Bairam,E,(1988),"Government expenditure and economic growth, evidence from New Zealand, Keio Economic Studies, 25, 59-66.
- Barro, R, J, (1989),"A cross country study of Growth, saving, and Government", NBER working paper, February.
- Bhat, K, S, (1996),"Political Economy of Public Expenditure in India", The Indian Economic Journal, 44,(1),108-119.
- Bird,R,M,(1971), "Wagners Law: a Pooled Time Series and Cross Section Comparison", National Tax Journal 38, 209-218.
- Dalamagas, B,(2000), "Public Sector and Economic Growth: the Greek Experience", Applied Economics, 32, 277-288.
- Dao, M,(1995)," Determinants of Government Expenditures, Oxford Bulletin of Economics and statistics, 57, 1, Feb.
- Diamond "A note on the Public Choice approach: growth in government Expenditure", Public Finance Quarterly, 17,(4),445-461.
- Diamond, J, (1989),"Government Expenditure and Economic Growth:An Empirical Investigation", IMF Working Papers.
- Feder,G ,(1983)," on export and economic growth", Journal of Development Economics, 12, 59-73.
- Fisher, R, et al, 2000, local government, national tax journal, 53, 153-68.
- Garrett T, and Rhine R, M,(2006)," On the Size and Growth of Government", Federal Reserve Bank of St. Louis Review, January,13-30.
- Karas (1996), "The Optimal Government Size, Evidence on the Productivity of Government Services", Economic Inquiry,34, 193-203.
- Karras, G, (1993), Employment and Output Effects of Government Spending, Economic Inquiry, 31, 354-369.
- Kelley, A, C, (1976), "Demographic and the Size of the Government Sector", Southern Economic Journal, 49,1056-1066.
- Kolluri, B, et al, (2000), " Government expenditure and economic growth: G7 countries", Applied Economics, 32, 1059-1068.
- Meltzer, A, and Richard, S, 1981, tests of a rational theory of the size of the government, public choice, no.41.
- Mueller, D, (1987), the growth of government, IMF staff paper, 34 (1), 115-149.
- Newton, K, (1992), Size, Effectiveness and Democracy in Local Government" Political Studies, 30.

- Niskanen, W, 1971, representative government Aldine, Chicago.
- Ohene J and Manu, M, (1999), "Government Expenditure and Deficit Financing: The Ghanian Experience".
- Peacock, A and Wiseman, J, 1967, the growth of public expenditure, London, Allen and Unwin.
- Pevcin, P, (2004), Does Optimal size of government exist ? University of Slovenia press.
- Ram (1987), "Wagner Hypothesis, 'Real' data for 115 Countries, " Review of Economics and Statistics, May, 194-204.
- Ram, R, (1986), "Government Size and Economic Growth: a new framework American Economic Review, 76, (1), March, 91-203.
- Ranghbenda, J, 1998, Modern public economics, London, rout ledge.
- Rosen, H, (2002), public finance, sixth edition, London, McGraw-Hill.
- Smetters, K, (1999), long run leviathan, journal of public economics, 73, 395-422.
- Soung Lee, B and Lin, S, (1994), "Government Size, Demographic Changes and Economic Growth", Economic Journal, 8.
- Tiebout, C, (1956), "A Pure Theory of Local Expenditures", Journal of Political Economy, 64, 5, October, 416-24.
- Wahab, M, (2004), "Economic growth and expenditure: a new test specification", Applied Economics, 36, 2125-2135.
- Yak, W, (2005), "Government Size Evidence for the United Kingdom", Working Paper, 1485-6441, January.

